

راهکارهای مقابله با آسیب‌های شناختی انیمیشن‌های والت دیزنی

بلور الهی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه راهکارهای دینی در جهت کاهش آسیب‌های شناختی انیمیشن‌های شرکت صهیونیستی والت دیزنی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بدین منظور ابتدا آسیب‌های شناختی چند نمونه از انیمیشن‌های معروف این شرکت مورد بررسی قرار گرفت و سپس راهکارهایی برگرفته از تعلیم و تربیت اسلامی برای مقابله با آن ارائه شد. نتایج نشان داد که حوزه شناخت را می‌توان به چهار قسم تجربی، عقلی، تعبدی و شهودی تقسیم کرد. در بررسی انیمیشن‌ها آسیب‌هایی مانند «تنها هدف زندگی، لذت بردن است»، «سن‌ها و قوانین اجتماعی را باید کنار زد»، «والدین اسیر یک سری قوانین قدیمی هستند» و نیز «وجود مفاهیم ضد دینی» شناسایی شد. راهکارهایی همچون توجه دادن به فطرت، استفهام، تقویت تعقل و دادن شناخت صحیح با قصه‌گویی، می‌تواند قوه تفکر و تعقل مخاطب را فعال کند تا در مسیر هدایت آنچه را که مخالف فطرتش است، به راحتی نپذیرد و اثر این آسیب‌ها در او کاهش یابد.

واژگان کلیدی: انیمیشن، والت دیزنی، انواع شناخت، تعلیم و تربیت اسلامی، آسیب‌های

شناختی، راهکارهای مقابله.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ رشته تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع). قم. b.elahi1359135@gmail.com

مقدمه

یکی از هنرهای تأثیرگذار در زندگی بشر که قدمت آن به عصر غارنشینی می‌رسد، انیمیشن است. قدیمی‌ترین نمونه‌های تلاش برای به دست آوردن توهم حرکت در طراحی ثابت را می‌توان در نقاشی‌های انسان‌های اولیه در غارها پیدا کرد که در آنجا تصویر حیوانات با چندین شکل پای روی هم افتاده نقاشی شده است (صادقیان، ۱۳۹۵، ص ۹۱). این هنر روزبه‌روز پیشرفت نموده و ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌هاست.

امروزه ابرقدرت‌ها به خوبی اهمیت این مسئله را تشخیص داده‌اند که برای به زیر سلطه بردن نسل آینده، باید روی این محصول فرهنگی سرمایه‌گذاری کنند. آن‌ها نوع فکر، عقیده و مکتب، میل و گرایش، اخلاق و رفتار و حتی سبک زندگی مورد نظر خود را به وسیله انیمیشن‌های جذاب به کودکان و نوجوانان القا می‌کنند. در عصر کنونی انیمیشن در میان کودکان و نوجوانان طرفدار بیشتری پیدا کرده است. هر چند همه مردم به نوعی مخاطب رسانه‌ها هستند، اما کودکان به دلیل نداشتن قدرت تعقل و تحلیل، در معرض بیشترین آسیب قرار دارند. یکی از شرکت‌های معروف انیمیشن‌سازی، شرکت والت دیزنی است که با ریاست یک یهودی صهیونیست اداره می‌شود. بدیهی است با توجه به سیاست صهیونیست‌ها، آن‌ها تمام توان خود را برای تسلط بر فکر، گرایش و رفتار کودکان به کار می‌گیرند و متأسفانه ساده‌انگاری خانواده‌ها و متولیان رسانه‌ها که هر گونه انیمیشن را بدون آگاهی از محتوای آن در اختیار کودکان قرار می‌دهند، این امر را تشدید می‌کند (باقری نژاد، ۱۳۹۵). محتوای این انیمیشن‌ها عمدتاً بر پایه مکاتب فلسفی همچون اومانیزم، صهیونیسم، فمینیسم و غیره شکل گرفته است. اومانیزم در لغت برگرفته از واژه لاتین Homo به معنای انسان و انسان‌گرایی است و شامل هر نظام فلسفی یا اخلاقی می‌شود که آزادی و حیثیت انسان مرکزیت آن را تشکیل می‌دهند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۴۷). صهیونیسم، یک جنبش سیاسی طرفدار بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل است (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۷۱). فمینیسم نیز به مجموعه‌ای از حرکت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی گفته می‌شود که

بر تمامی ابعاد زندگی زنان در غرب و تا حدودی در کشورهای دیگر تأثیر گذاشته است و هدف آن، احقاق حقوق زنان است که عموماً به وسیله خود زنان انجام می‌گیرد (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۴۳). صهیونیسم‌ها به کمک مفاهیم این مکاتب، جهان بینی و گرایش‌های کودکان را به صورت نرم و تدریجی تغییر می‌دهند و تأثیرات عمیقی بر اخلاق و رفتار آن‌ها می‌گذارند. هدف مهم از طرح این مباحث، دقت بیشتر والدین در گزینش انیمیشن‌هاست تا ذهن پاک کودکان خود را به دست شرکت‌های انیمیشن‌سازی چون والت دیزنی نسپارند؛ بلکه با نقد صحیح، روحیه کودک را پرورش دهند و او را از حالت انفعال و پذیرنده صرف خارج کنند. این شیوه، اثر مخرب پیام‌های تربیتی انیمیشن‌ها بر روی ذهن و شناخت کودک را خنثی می‌کند و تهدید، به فرصتی مغتنم برای پرورش فرزندان فکور و منتقد تبدیل خواهد شد.

در بررسی منابع مختلف، مقاله «آثار تربیتی انیمیشن‌های غربی بر تربیت کودک» اثر باقری‌نژاد قرابت زیادی با هدف این پژوهش دارد. نویسنده در این مقاله ابتدا به معرفی شرکت والت دیزنی و بررسی برخی مضامین فلسفی، اعتقادی، تربیتی و سیاسی نهفته در انیمیشن‌ها از جمله اومانیسیم، شرک در خالقیت، شیطان پرستی، خشونت و ... پرداخته است. سپس شرح مختصری از برخی مفاهیم کلیدی فلسفه پست مدرنیسم شامل نفی فراروایت‌ها، عقل ستیزی و عقل‌گریزی، نفی رابطه علیت، ترویج لذت‌گرایی و فردگرایی افراطی و رد پای این آموزه‌ها و آثار تربیتی آن را در دو انیمیشن معروف «موش سرآشپز» و «شیرشاه یک و نیم» را بیان کرده است. در منابع خارجی نیز مقاله‌هایی همچون «تأثیر سواد رسانه‌ای بر یادگیری کودکان از فیلم‌ها و رسانه‌ها» در نشریه Elsevier و نیز یک آزمایش شبه تجربی که توسط دانشگاه مریلند آمریکا در سال ۲۰۱۸ بر روی کودکان تانزانیا انجام و تأثیر کارتون‌های آموزشی بر روی این بررسی شد و در مجله روان‌شناسی رشد کاربردی به چاپ رسید، قابل توجه و بررسی است. در بررسی‌های انجام شده، مشخص شد منبعی که افزون بر بیان آسیب‌ها، راهکارهای تربیتی را نیز ارائه دهد؛ بسیار کم و محدود است. بنابراین برای هر یک از واژه‌های عنوان پژوهش به صورت مجزا منبع‌یابی شده است. برای مثال درباره آشنایی با شرکت والت دیزنی به منابعی مانند «کارتون‌های دیزنی و ترویج انسان‌محوری» نوشته

ناظم‌زاده و مقاله «چرا پدر و مادرها در آثار دیزنی غایب‌اند؟» نوشته پولتون (۱۳۸۹) رجوع شد. منابعی مانند مقاله «صهیونیسم و نمادپردازی در برنامه‌های کودک» اثر درخشان (۱۳۸۵) و نیز مقاله «یهود و سینمای کودک، ترویج ایده‌ها و افکار» نگاشته دوست محمدی (۱۳۹۸) به استفاده صهیونیست‌ها از انیمیشن‌ها برای تأثیرگذاری بر کودکان اشاره دارد. مقاله‌های «تحلیل انیمیشن‌های هالیوودی با رویکرد تربیتی» تألیف بشیر و جواهری (۱۳۹۶)، «دیپلماسی عمومی برای کودکان، مطالعه موردی پویانمایی‌های والت دیزنی» اثر ایزدی و شمشیری (۱۳۹۸) و «واکاوی نسبت جهان‌بینی با مسائل جنسی و عفاف در سینما؛ مطالعه موردی انیمیشن مهمانی سوسیس‌ها (۲۰۱۶)» اثر شهبازی، بهزادنسب و برزویی (۱۳۹۸) نیز به بررسی اثر تربیتی و ترویج سبک زندگی آمریکایی در انیمیشن‌ها پرداخته‌اند. این منابع با بررسی انیمیشن‌ها، به بررسی آسیب‌هایی همچون ترویج انسان‌گرایی، القای تفکرات صهیونیستی و آموزش مسائل جنسی پرداخته‌اند.

علی‌رغم وجود این منابع و با توجه به پراکندگی آن‌ها، خلأ پژوهشی که ابتدا به بررسی آسیب‌های شناختی انیمیشن‌های دیزنی پرداخته و سپس راهکارهایی را بر اساس منابع اسلامی ارائه کرده باشد، احساس شد. بنابراین ضرورت دارد که به بررسی آسیب‌های انیمیشن‌ها به‌ویژه در حوزه شناخت پرداخته و با بهره‌مندی از آموزه‌های قرآنی، راهکارهای عملی و مناسبی برای مقابله با این اثرات ارائه شود؛ به‌گونه‌ای که والدین بتوانند با مطالعه این پژوهش، ضمن آشنایی با مفاهیم ارائه شده در انیمیشن‌های موجود در بازار، تأثیرات مخرب آن‌ها را بر ذهن کودکان خود بشناسند و راهکارهای مقابله با آن‌ها را فرا بگیرند. پژوهش حاضر ماهیت کیفی دارد و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش چند انیمیشن معروف شرکت والت دیزنی که از شبکه پویا پخش شده است، به عنوان نمونه انتخاب، و سپس به آسیب‌شناسی آن‌ها در انواع شناخت تجربی، عقلی، تعبدی و شهودی پرداخته شده است. پس از تحلیل آسیب‌ها نیز به والدین آموزش داده شده است که چگونه با راهکارهای به دست آمده از آیات قرآن کریم، به تقویت قوای تفکر و تعقل بپردازند.

بررسی آسیب‌های شناختی انیمیشن‌ها

تجاری که انسان در سنین خردسالی از محیط اطراف خود کسب می‌کند، نقش سازنده‌ای در پی‌ریزی جهان بینی او دارد؛ بنابراین اگر پدیده‌های جهان پیرامون به شیوه شایسته‌ای به کودکان معرفی نشود، دیدگاه و نگرش آنان به جهان هستی خدشه‌دار می‌شود و فکر و عمل برخاسته از این نگرش نادرست به بیراهه می‌رود. عموماً بزرگترها اهمیت کمتری برای تلویزیون قائل هستند و به آن با ساده باوری نگاه می‌کنند. این در حالی است که کودکان ضمن اینکه مشغول تماشا می‌شوند، در فرق گذاشتن بین صور واقعی و خیالی مشکل دارند و این به سبب فهم محدودی است که از دنیای اطراف دارند؛ از این رو آنان از بزرگترها آسیب پذیرترند (بیچرانلو، ۱۳۹۱، ص ۹۶). در چهارچوب نگرش دینی ایمان به خداوند، عمل به دستورهای دینی و کسب کمالات معنوی و ارزش‌های اخلاقی در گرو شناخت است؛ یعنی ایمان به خدا و عمل صالح که شرط‌های لازم برای دستیابی به سعادت اخروی از دیدگاه اسلام و ادیان آسمانی است، بدون شناخت و آگاهی محقق نمی‌شود. شناخت‌های انسانی را از یک دیدگاه می‌توان به چهار قسم تجربی، عقلی، تعبدی و شهودی تقسیم کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷).

۱. آسیب بر شناخت تجربی

ابزارهای شناخت که عموماً در همه انسان‌ها وجود دارد، ادراک حسی و ادراک عقلانی است که از ترکیب این دو، شناخت تجربی به دست می‌آید. ادراک حسی به وسیله حواس ظاهری و در اثر ارتباط با جهان مادی حاصل شده است و دارای بُرد محدودی است. ادراک عقلانی، آن درکی است که عقل به تنهایی و صرف نظر از تجربه خارجی دارد و یک سلسله مفاهیم کلی خاص مانند محال بودن اجتماع نقیضین یا بزرگتر بودن کل از جزء و... را در بر می‌گیرد. شناخت تجربی از همکاری حس و عقل حاصل می‌شود. حس ما چیزی را درک می‌کند، سپس عقل روی آن چیز کار می‌کند و یک ادراک جدید حاصل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱).

جدول ۱: آسیب‌های شناخت تجربی

نام‌انیمیشن	مفاهیمی که در انیمیشن القا می‌شود
دنیای درون	شادی و غم، انزجار و خشم، به صورت آدمک‌های کوچکی هستند که در ذهن رایلی و والدین او قرار دارند و احساسات ایشان را کنترل می‌کنند. این آدمک‌ها در وجود مادر شکلی زنانه، عاقل و باهوش دارند؛ ولی در درون پدر، همه به شکل آدمک خشم هستند. میزان فهم و درک پدر، بسیار کمتر از مادر است. اینکه همه احساسات پدر شکل آدمک خشم هستند، نشان‌دهنده غلبه خشم مردان بر سایر احساسات‌شان در تفکر فمینیستی است. از طرف دیگر به تمام احساسات، شکل مادی داده و به نوعی وجود احساسات فرامادی انسان به عنوان یک فراروایت مرکزی نفی شده است. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی
یخ‌زده	السا با کمک جادو، قدرت خلق موجودات دیگر را دارد. او با این قدرت، یک آدم‌برفی به نام اولاف را خلق می‌کند که تا آخر داستان زنده است و مرگ ندارد. او با جادو و بدون کمک گرفتن از هیچ‌کس، ساختمانی بزرگ و یخی می‌سازد و وضعیت جوئی شهرش را به زمستان تبدیل می‌کند و از آنجا که نمی‌تواند قدرتش را کنترل کند، حتی قلب خواهرش را هم به یخ تبدیل می‌کند. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی و ادراک عقلی
گیسوکمند	اولین چیزی که دیده می‌شود، موهای بلند جادویی است. مادرخوانده که شکلی شرقی با موهای سیاه و لباس‌هایی پوشیده دارد، دارای شخصیت پلیدی است که دختر پادشاه را می‌دزدد تا بتواند به کمک قدرت جادویی موهای او همیشه جوان بماند. دوجین با نگاه‌های دائمی خود سعی در فریب دادن دختر دارد، ولی او فریب نمی‌خورد و با فرار کردن از خانه به موقعیت بهتری دست می‌یابد. رامپونزل شب را در کنار پسری می‌گذراند؛ در میان جماعتی از مردان خلافکار آواز می‌خواند و می‌رقصد و آسیبی هم نمی‌بیند. حتی در پایان خانواده اصلی رامپونزل به راحتی اجازه می‌دهند تا دخترشان با مردی خلافکار ازدواج کند و همه با هم در این سرزمین به خوشی زندگی می‌کنند. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی

نام انیمیشن	مفاهیمی که در انیمیشن القا می شود
زندگی جدید امپراتور	مهم ترین نکته، تبدیل شدن انسان به شتر است. هر انسانی می تواند با خوردن دارویی جادویی، به حیوان و یا برعکس تبدیل شود. امپراتور به دلیل داشتن ژن برتر، از همه بالاتر است. خوردن غذاهای حرام، خوشگذرانی، رقص و روابط نامناسب والدین در حضور کودکان دیده می شود. نوع آسیب: اختلال در ادراک عقلی
لوکا	ویژگی اصلی، تبدیل موجودات عجیب زیر دریا به انسان است. این موجودات در میان انسان ها هستند و فقط نیاز به باران است تا هویت آن ها آشکار شود. برای رسیدن به آزادی و رفتن به سرزمین موعود، پدری فرزندش را ترک می کند و پسرش از وسایلی که متعلق به دیگران است، استفاده و به دوستانش خیانت می کند. نوع آسیب: اختلال در ادراک عقلی
روح	همه چیز برای رسیدن به مفهوم لذت بردن در لحظه، بدون توجه به آینده است. انسان هر چیزی که حس می کند، باید برایش لذتی به همراه داشته باشد؛ در غیر این صورت ارزش توجه ندارد. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی
شجاع	مریدا همیشه با والدین و مخصوصاً مادرش مخالفت می کند. او با سنت ها و قوانین حاکم بر خانواده و جامعه مبارزه می کند. او همیشه دنبال تجربه جدیدی است و با کمک جادو، مادرش را که مخالف کارهای اوست؛ به خرس تبدیل می کند. هنجارشکنی مقوله مثبت و نشان دادن آزادی در نوع فردگرایانه و فمینیستی اش، هدف اصلی است. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی و ادراک عقلی
زوتوپیا	نام آرمان شهری است که در آن حیوانات اهلی با ظاهری مهربان، ولی حیله گر و در فکر تصاحب شهر دیده می شوند؛ اما حیوانات وحشی دیگر خوی وحشی بودن ندارند و متمدن شده اند. در زوتوپیا هر حیوانی می تواند به چیزی که دوست دارد، تبدیل شود. برای مثال روباه می تواند فیل بشود. بدین منظور فقط باید به دنبال اهداف خود رفت و به قوانین خانواده اعتنا نکرد تا به موفقیت رسید. قسمتی در این شهر وجود دارد که حیوانات می توانند در آن برهنه زندگی کنند. هر چند حیوانات سر و ظاهری حیوانی دارند، اما دارای رفتارهای انسانی هستند و فقط قالب آن ها به صورت حیوان است. نوع آسیب: اختلال در ادراک عقلی

نام‌انیمیشن	مفاهیمی که در انیمیشن القا می‌شود
شیرشاه	شیر نماد بسیار مهمی در یهودیت به شمار می‌رود. بنابراین برتری شیر در انیمیشن شیرشاه، به معنی برتری قوم یهود بر سایر اقوام و ملل است. همه چیز در چرخه طبیعت تعریف شده است و موجودات در این چرخه به هم تبدیل می‌شوند. نوع آسیب: اختلال در ادراک حسی و ادراک عقلی
موش سرآشیز	این موش بر خلاف سایر هم‌نوعانش مانند انسان‌ها به آشپزی می‌پردازد و در مواردی به انسان‌ها یاری می‌رساند. او از جملات مذهبی استفاده می‌کند، ولی سایر موش‌ها سخنان او را درک نمی‌کنند. دور شدن از خانواده و سنت‌هایش، به سکوی پرتاب «رمی» تبدیل می‌شود. نوع آسیب: اختلال در ادراک عقلی

۲. آسیب بر شناخت عقلی

شناخت عقلی، دانش مفهومی نسبت به حقایق ثابتی است که امور متغیر و متحرک عالم طبیعت را نیز پوشش می‌دهند. این علم که فراتر و گسترده‌تر از علوم حسی است، همانند معلوم خود از ثبات و استواری برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸ و ۱۷۹). اصول بدیهی شناخت عقلی عبارتند از:

۱. اولیات؛ برای مثال هر کل از جزء خود بزرگتر و یا اجتماع نقیضین، محال است.
۲. مشاهدات؛ از اقسام قضایای یقینی بدیهی است که عقل به سبب حواس ظاهری یا حواس باطنی به آن‌ها حکم می‌کند.
۳. وجدانیات؛ مانند ترس، درد یا شادمانی.
۴. فطریات؛ برای مثال دو نصف چهار است.
۵. تجربیات؛ مثل جوش آمدن آب در صددرجه.
۶. متواترات؛ قضایایی هستند که به دلیل کثرت قائلین، انسان به عدم کذب کلام اعتقاد پیدا می‌کند (جرجانی، ۱۳۲۵، ص ۴۴).

جدول ۲: آسیب‌های شناخت عقلی

نام انیمیشن	نوع آسیب
دنیای درون	نقض وجدانیات؛ احساسات ناشی از تلاش آدمکی است که درون شخص وجود دارد.
یخ‌زده	نقض تجربیات؛ با قدرت جادو می‌توان آب را به یخ تبدیل کرد و هوا را برفی نمود.
گیسوکمند	نقض اولیات؛ موهایی که با جادو بلند شده است و مثل دست قدرت حرکت دارد.
زندگی جدید امپراتور	نقض اولیات؛ انسان می‌تواند به شتر و موجودات دیگر تبدیل شود.
لوکا	نقض اولیات؛ موجودات می‌توانند تبدیل به انسان شوند و دوباره به شکل قبلی خود برگردند؛ فقط نیاز به آب دارند.
روح	نقض متواترات؛ عدم وجود خداوند، لذت بردن بی هیچ قید و شرط، فرشتگان به حدی ساده لوح هستند که روح آمده به آن جهان را گم می‌کنند.
شجاع	نقض اولیات؛ تبدیل شدن انسان به خرس ممکن است.
زوتوپیا	نقض اولیات؛ حیوانات وحشی به دلیل متمدن شدن دیگر خوی وحشی ندارند.
شیرشاه	نقض متواترات؛ محتوای داستان به نفع قوم یهود صورت گرفته است. برتر بودن نژاد یهود بر تمامی انسان‌ها، نمونه‌ای از آن است.
موش سرآشپز	نقض اولیات؛ موش از انسان عاقل‌تر است و او را کنترل می‌کند.

۳. آسیب بر شناخت تعبدی

واجب تعبدی، به واجبی اطلاق می‌شود که قصد قربت در آن شرط است؛ مانند نماز، روزه و حج. انجام دادن این گونه واجبات بدون نیت تقرب به پروردگار، مسقط تکلیف نیست. شناخت‌هایی که با روش تعبدی حاصل می‌شود، جنبه ثانوی دارد و فرع بر این است که قبلاً اعتبار منبع یا منابع آن ثابت شده باشد. در واقع باید نخست پیامبری فردی ثابت شود تا در مقام بعدی پیام‌های او معتبر شناخته شود. روشن است که اصل وجود

پیام دهنده و نیز پیامبری پیام آور را نمی توان به پیام اثبات استناد کرد. البته پس از اثبات وجود خدا، شناخت پیامبر اسلام ﷺ و حقانیت قرآن کریم می توان سایر اعتقادات فرعی و نیز دستورات عملی را به استناد مخبر صادق و منبع معتبر پذیرفت؛ اما مسائل بنیادی را باید قبلاً از طریق دیگری حل کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷). کودکان به ویژه بچه های زیر هفت سال آنچه را که می بینند، باور می کنند؛ نه آنچه را که درباره اش می شنوند. کودک امروز می تواند با برداشت غلط از انیمیشن هایی که می بیند، خدایش را به گونه ای که به نفعش باشد، بسازد؛ نه اینکه والدین آن را با استفاده از آموزه های دینی در زوایای مغزش به وجود بیاورند. انیمیشن ها به طور غیرمستقیم ضرورت اعتقاد به اصول دین و عمل به واجبات و احکام را به بهانه سرگرمی، شادی و خوشگذرانی از دین سلب می کنند و تنها ظاهر مسلمان بودن را به کودکان می شناسانند تا آن ها نیز در بزرگ سالی در دین خود منفعل باشند و به واسطه عقاید سطحی و وارونه ای که از مکاتب فلسفی موجود در انیمیشن ها و فیلم ها درباره هستی دریافت می کنند، اندک باورهایی را که توسط آموزه های سنتی به آن ها رسیده است؛ از دست بدهند (ر.ک: موسوی، ۱۳۹۹، ص ۷۶-۷۲).

جدول ۳: آسیب های شناخت تبعدی

نام انیمیشن	نوع آسیب شناخت تبعدی
دنیای درون	وجود خداوند، نمودی ندارد. همه احساسات انسان توسط آدمک هایی کنترل می شود.
یخ زده	خدایی وجود ندارد که انسان را از مرگ نجات بدهد؛ بلکه با جادو و محبت می توان او را نجات داد. حیا، بی ارزش و مانعی بر سر پیشرفت فرض شده است. انسان هم می تواند خالق موجودات باشد. عدم ایمان به معاد را می توان در این انیمیشن مشاهده کرد. استفاده از الفبای شیطان پرستی در نوشته کتاب کوتوله ها و نیز با مهارت روی نقشه پس زمینه گنجانده شده است.
گیسو کمند	وجود خداوند حس نمی شود. جادو عمر را طولانی می کند و می تواند مانع مرگ شود. ارتباط برقرار کردن با مردان و رقصیدن در حضور آن ها، امری عادی است.

نام انیمیشن	نوع آسیب شناخت تعبدی
زندگی جدید امپراتور	خداوند به عنوان خالق دیده نمی شود. تبدیل شدن انسان به شتر با جادوگری امکان پذیر است. فرشتگان رقیب و عتید همراه انسان که وظیفه ثبت اعمال خوب و بد را دارند، به تمسخر گرفته می شوند. رقیب یا فرشته سمت راست، به حدی ساده و زودباور است که فریب عتید یا فرشته دغل باز سمت چپ را می خورد. خوردن هر نوع غذا بدون توجه به ماهیت آن، عادی و بلامانع است.
لوکا	خداوندی وجود ندارد و تبدیل شدن موجودات به انسان و برعکس، صرفاً با بیرون آمدن از آب و رفتن به درون آن انجام می شود. دنیای بیرون آب، سرزمین موعود است که باید به آنجا رفت.
روح	جنبه ای غیر خدایی و نگرشی مادی نسبت به جهان آخرت دارد. ملائک دچار اشتباه می شوند. ملکی به شکل موش، مسئول سرشماری ارواح است و در بایگانی به دنبال روح گمشده می گردد. انسان در دنیا و آخرت، تنهاست. روح آدمی هنگام فرار از دنیا، به جسم گریه وارد می شود.
شجاع	بدون نیاز به خداوند و با استفاده از جادو، انسان به خرس تبدیل می شود. ازدواج بی ارزش و مانعی برای پیشرفت خانم ها محسوب می شود. مردان پایین تر و بی ارزش تر از زن ها هستند.
زوتوپیا	همه دوست دارند در این آرمان شهر زندگی کنند؛ زیرا خدایی در آن وجود ندارد. در نتیجه از قیود دینی آزاد هستند و می توانند برهنه باشند.
شیرشاه	خداپرستی دیده نمی شود؛ از این رو همه به سمت خورشید می روند که نمادی از خورشیدپرستی را نشان می دهد. خدایی که مبدأ آفرینش موجودات باشد، وجود ندارد. حیوانات در چرخه طبیعت به یکدیگر تبدیل می شوند. سیمبا با وجود ناشایستگی می تواند منجی قومش شود و آن ها را از دست کفتارها نجات دهد.
موش سرآشپز	ازدواج که دستور الهی است، فاقد ارزش و پسر قصه حاصل روابط نامشروع است. موش نماد برتری قوم یهود است. روح سرآشپز به طور تمسخرآمیزی موش را هدایت می کند.

۴. آسیب بر شناخت شهودی

شناخت شهودی، بالاترین مرتبه شناخت است؛ زیرا در آن فرد واقعیت موضوع را در می‌یابد. فرق میان ادراک شهودی و دیگر انواع ادراک را می‌توان با فرق میان مفهوم گرسنگی با حقیقت وجدانی آن قیاس کرد. مفهوم گرسنگی، حالتی است که هنگام نیاز بدن به غذا برای انسان ایجاد می‌شود؛ ولی اگر انسان چنین حالتی را در خود احساس نکرده و تنها توصیفی از آن را شنیده باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند حقیقت گرسنگی را درک کند. ادراک شهودی که از نوع علم به حالات نفسانی است، خطاناپذیر است. وقتی حالت گرسنگی و عطش را در خود می‌یابیم، دیگر احتمال خطا در آن راه ندارد (شجاعی، ۱۳۸۶). شناخت شهودی، از مقوله دانستنی نیست که از طریق مجموعه‌ای از مفاهیم ذهنی به دست آید؛ بلکه از مقوله دریافت و درک شهودی است که بندگان ناب و خاص خدا بدان نائل می‌شوند. آنان که روح و دل خویش را از زنگار حجاب‌های مادی زدوده و آن را جلوه‌گاه نور و تجلیات الهی ساخته‌اند، تن و دل خود را به عبادت و اطاعت خدا آزموده‌اند. رسیدن به چنین معرفتی، حلقه‌نهایی تعالیم انبیا برای هدایت بشر به توحید ناب است. البته فقط افراد اندکی که از قابلیت و ظرفیت وجودی بسیار بالایی برخوردار هستند، از آن بهره‌مند می‌شوند (مصباح، ۱۳۸۱). هنگام بررسی آسیب‌شناسی، برای این نوع شناخت موردی یافت نشد. این سطح از ادراک اصلاً در انیمیشن‌ها دیده نمی‌شود؛ زیرا در تفکر مادی جایی برای بالاترین ادراک‌ها وجود ندارد.

راهکارهای تعلیم و تربیت اسلامی

قرآن برای تعلیم و تربیت، راهکارهایی را ارائه داده است که با استفاده از آن‌ها می‌توان به اصلاح آسیب‌های شناختی در کودکان پرداخت. این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. توجه دادن به فطرت

فطرت که بر چگونگی خلقت دلالت دارد، نوعی توانمندی و آمادگی درونی و ذاتی را در انسان به وجود می‌آورد که بر پایه آن می‌توان اندیشید و مسائل را درک کرد؛ به‌گونه‌ای که

اگر مثلاً خیر و شر به دستگاه ذهنی بشر عرضه شود، نیروی عقل فطری بدون آموزش قبلی، قدرت تشخیص و تمیز آن دو از یکدیگر را دارد. جست و جوی حقیقت، علم و دانایی، گرایش به خیر و فضیلت، خلاقیت، عشق و پرستش از امور فطری انسان هستند. اگر از فطریات و توانمندی های خدادادی آدمی غفلت شود، نابود و سرکوب خواهند شد (کارآمد پیشه، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵ و ۱۶۶). اولین راهکار برای کاهش آسیب های شناختی، توجه دادن به فطرت مشترک میان همه انسان هاست. این مشترک بودن امور فطری، کار را برای هدایت فرزندان آسان می کند. برای درک بهتر فطرت می توان به گزاره هایی که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۳۰ سوره روم آورده است، توجه کرد.

«وقتی ثابت شد که خلقت و تدبیر، تنها از آن خدای یکتاست که به زودی خلق را مبعوث و حسابرسی می نماید و کسی که به غیر او روی آورده باشد، راه نجاتی ندارد؛ پس روی دل به سوی دین کن و ملازم آن باش که آن، همان دینی است که خلقت الهی به آن دعوت می کند. مراد از روی آوردن به سوی دین، توجه بدون غفلت از آن است. فطرت انسان همیشه و همه جا هادی همه افراد به سوی سعادت است این دینی که واجب است برای او اقامه وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت، و فطرت الهی به سوی هدایت می کند؛ آن فطرتی که تبدیل پذیر نیست. انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات، سرشته به فطرتی است که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائجش هدایت می کند و به آنچه که نافع برای اوست یا برایش ضرر دارد، ملهم کرده است. فطرت انسان او را به روش معینی که منتهی به هدف و غایتی خاص می شود، هدایت می کند. پس انسان از این جهت که انسان است، بیش از يك سعادت و يك شقاوت ندارد و چون چنین است، لازم است که در مرحله عمل تنها يك سنت ثابت برایش مقرر شود و هادی واحد او را به آن هدف ثابت هدایت فرماید. باید این هادی، همان فطرت و نوع خلقت باشد و به همین جهت دنبال فطرت الله التي فطر الناس علیها، اضافه کرد که

لا تبدیل لخلق الله؛ پس ساختمان و بنیه انسانیت، حقیقتی واحد، مشترک

و ثابت در همه افراد و اقوام است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۷۸).

شناخت فطرت الهی متربی، شرط اصلی پرورش استعداد های فطری اوست. برای شکوفایی استعداد های فطری، باید زمینه های خاص آن ها به وجود آید. محیط تربیت در بروز و ظهور استعداد های فطری، نقش بسیار مؤثری را ایفا می کند (ملکی، ۱۳۹۰، ص ۸). گروهی برای باورند که انسان صرفاً مانند ظرفی خالی است و با آداب، رسوم و افکار حق و باطل پر می شود و نظام های سیاسی و اقتصادی به او رنگ می دهند. والدین باید توجه داشته باشند که این، باور صحیحی نیست. خداوند حق جویی و حقیقت گرایی را در وجود انسان ها به ودیعه نهاده است. امور فطری کم و بیش در نهاد تمام انسان ها وجود دارد، اما هیچ گاه از بین نمی رود. انسان ذاتاً دین گرا و طرفدار حق، و از باطل بیزار است؛ همان گونه که علاقه مادر به فرزند امری تعلیمی نیست؛ بلکه فطری و غریزی است. والدین می توانند با توجه به فطری بودن حق طلبی و حقیقت خواهی، مانع آسیب های حوزه شناخت شوند (قراحتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۹۶).

امروزه جهان غرب برای القای آموزه های ضد دینی خود، از دنیای انیمیشن استفاده می کنند. آنان با بهره گیری از محتوا های مکاتب فلسفی ضد دین، هر مفهومی را که در تضاد با آرمان های اسلامی و در نازل ترین سطح از محسوسات و معقولات باشد؛ در قالب انیمیشن های جذاب و لذت بخش به ذهن کودکان تزریق می کنند تا موجودیتی متضاد با فطرت و تربیت اسلامی در جامعه شکل گیرد و افراد به جای دستیابی به کمال، مغایر با فطرت انسانی در جهت انحطاط حرکت کنند. جهان غرب با تکرار زیاد محتوا های اومانستی، پست مدرنیستی و... در انیمیشن های مختلف با رنگ و لعابی متفاوت، می کوشد تا عدم فطرت گرایی را در ذهن کودکان نهادینه کند و رفتار آنان را به جای ارتباط با پروردگار و بازگشت به فطرت خویش، همواره به سوی الحاد و شیطان پرستی سوق دهد (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۶۸). در انیمیشن ها انسان مرکز همه عالم و وجود خدا بسیار کم رنگ و ناتوان القا شده است. با توجه به محتوای انیمیشن ها، انسان بدون وجود خدا در این جهان خوشبخت است. او به کمک جادو می تواند جهانی پر از زیبایی برای خود خلق کند. آدمک هایی در وجود

او قرار دارند که امورات او را کنترل می‌کنند. انسان هر زمان که بخواهد، با قدرتی که دارد؛ می‌تواند از شکل انسانی خارج و به یک حیوان تبدیل شود. فرشته‌ها، موجوداتی بی‌عرضه و نادان هستند و می‌توان آن‌ها را فریب داد. اگر این مفاهیم و نمونه‌های بسیار دیگر در ذهن کودک باقی بماند، اندک‌اندک او را به انسانی بی‌دین یا سست‌ایمان تبدیل می‌کند؛ بنابراین ضروری است که والدین با توجه به این نکته که انسان‌ها به صورت فطری خدای خویش را می‌شناسند، با کمک روش‌های دیگری همچون استفهام و قصه‌گویی، این اصل مهم را در کودک خود نهادینه‌سازی کنند. یادآوری خالق بودن خدا و نعمت‌هایش مانند رشد دانه‌ای در طبیعت که با قدرت خدا بزرگ می‌شود، گل می‌دهد و نمونه‌های مشابه آن می‌توان خداشناسی را که امری فطری است، درون کودک تقویت کرد.

۲. استفهام

یکی از روش‌های قرآن در تعلیم و تربیت، استفهام است. قرآن گاه از طریق طرح سؤالات، انسان را به تدبیر و تأمل وادار می‌دارد تا او را به فهمی عمیق‌تر راهنمایی کند. دقت و سؤال کردن، یکی از بهترین عوامل تقویت نیروی عقل است. انسانی که در شناخت کارها اهل تحقیق و پژوهش باشد، حتی اگر در ابتدا و با فهم خویش به واقعیت نرسد؛ از دانشمندان و علما سؤال می‌کند و تا جایی به کار خویش ادامه می‌دهد تا به مطلوب برسد. چنین انسانی کم‌کم عقل خویش را تقویت می‌کند و برای فهم و درک کارهای بسیار مهم و دشوار آماده می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۲). توجه دادن به نفع اجمالی، کلید هر حرکتی از جمله حرکت‌های تفکری به شمار می‌آید. از این رو قرآن در بیان موضوعاتی که لازم است انسان تفکر خود را فعال کند، او را با سؤال و یا انگیزه‌ای روبه‌رو و منفعت تفکر را گوشزد می‌کند؛ در غیر این صورت محرکی برای تفکر وجود نخواهد داشت و فرد با مانعی کوچک از تفکر باز می‌ایستد؛ چنانکه این مطلب در آیات ۱۰ سوره صف بیان شده (اخوت، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶) و خداوند راه نجات از عذاب دردناک را به صورت استفهام بیان کرده است تا انسان را به تفکر وادارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟».

استفهام، گاهی استفهامی حقیقی است؛ به این معنا که کسی مطلبی را نمی‌داند و از شخص دیگری سؤال می‌کند تا بداند. گاهی نیز استفهام به منظور فهمیدن سؤال‌کننده نیست؛ بلکه برای فهماندن مطلب به مخاطب است. نوع دوم استفهام، شامل استفهام انکاری و استفهام تقریری می‌شود. در استفهام انکاری، سؤال‌کننده امری را که می‌خواهد مورد انکار یا نفی قرار بدهد و از مخاطب نیز این انکار را اعتراف بگیرد، به صورت استفهام یا سؤال مطرح می‌کند. نمونه‌ای از این نوع استفهام انکاری را می‌توان در آیه ۳۱ سوره یاسین مشاهده کرد. خداوند عدم بازگشت به دنیا را با پرسش از کافران و مشرکان اقرار می‌گیرد. آن‌ها نمی‌توانند بگویند که گذشتگان زنده شدند؛ بلکه تمامی اقوام گمراه و لجوج که پیامبری برای هدایت آن‌ها آمده است، هلاک شدند: ﴿الَّذِينَ يَرَوُا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾؛ «آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (به خاطر گناهان‌شان) هلاک کردیم، آن‌ها هرگز به سوی ایشان باز نمی‌گردند (و زنده نمی‌شوند)». ﴿الَّذِينَ يَرَوُا﴾ یعنی آیا درک نمی‌کنند، فکر نمی‌کنند و تأمل و تدبیر ندارند که اقوام پیامبران گذشته مانند قوم نوح علیهم‌السلام، هود علیه‌السلام، صالح علیه‌السلام و شعیب علیه‌السلام با سیل، باد، صاعقه و صیحه نابود شدند یا سپاه فیل ابرهه با ابابیل هلاک شدند؟ و غیر از این‌ها آیا فکر نمی‌کنند که سبب هلاکت آن‌ها همین شرک و کفر، تکذیب انبیا، طغیان و فساد است؟ آیا نمی‌ترسند که به همین نوع عذاب‌ها هم گرفتار شوند؟ پس چرا به خود نمی‌آیند؟ (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۶۹).

استفهام تقریری، در نقطه مقابل استفهام انکاری قرار دارد؛ به این معنا که سؤال‌کننده مطلبی را که مورد تأییدش است، از طرف مقابل سؤال می‌کند تا او نیز تأیید نماید. برای مثال آیه ۶۰ سوره یاسین، از نوع استفهام تقریری است (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۸) و خداوند در این آیه از پرستش نکردن شیطان توسط بنی‌آدم و دشمنی شیطان با انسان که یک امر یقینی است، سؤال کرده است تا انسان را به تفکر وادارد تا دست از پیروی شیطان بردارد: ﴿الَّذِينَ أَعَاهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ «آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟». این اخطار عدم پرستش شیطان به طور مکرر بر زبان رسولان الهی جاری شده است. به دلایل عقلی نیز انسان نباید

فرمان کسی را اطاعت کند که از روز نخست کمر به دشمنی او بسته، او را از بهشت بیرون کرده و برای اغوای فرزندانش سوگند خورده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴).

این دو نوع پرسش در قرآن کریم، اولین کارکرد پرسش یعنی کسب اطلاعات را ندارند؛ زیرا گوینده مشخصاً برای کسب اطلاع درباره چیزی از انسان پرسش نمی‌کند. این پرسش‌ها در چهارچوب پرسش‌های بلاغی قرار دارند که گوینده همانند یک معلم از طرح آن‌ها، اهداف متعددی را دنبال می‌کند. بری مثال آن‌ها را برای تعلیم نکات، تأکید یا نفی تأکید بر روی مطالب، امر به کاری خاص یا نهی از آن یا واداشتن مخاطب به کنش و واکنشی ویژه مطرح می‌سازد (نیازی و گودرزی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹). والدین باید روحیه پرسشگری را از کودکی در فرزندشان پرورش دهند. کودکی که سؤال می‌کند و آنچه را که در ذهن دارد، بیان می‌نماید و به دنبال پاسخ است، کمتر گرفتار انحرافات می‌شود. والدین با بهره‌گیری از انواع استفهام می‌توانند مطالب غلطی را که در انیمیشن‌ها ارائه شده است، اصلاح کنند. اگر ایشان با فرزند خود به دیدن انیمیشن‌ها بنشینند و از او در مورد چیزهایی که در کارتون‌ها می‌بیند، سؤال کنند؛ متوجه می‌شوند که فرزندشان چه مفاهیمی را درک کرده است و اگر اشکالی در درک مفاهیم شناختی برایش ایجاد شده باشد، در رفع آن قبل از نهادینه شدنش تلاش می‌کنند. برای مثال ممکن است کودک از والدینش سؤالاتی بپرسد، مانند اینکه آیا در وجود ما آدمک‌هایی هستند که ما را کنترل می‌کنند؟ در کجای سر ما قرار دارند، چه می‌خورند، چه می‌پوشند؟ من می‌توانم با چوب پرواز کنم یا یک ورد بخوانم، همه جا پر از برف بشود؟ آیا من می‌توانم به حیوان تبدیل شوم؟ در چنین شرایطی والدین می‌توانند به کمک روش استفهام به کودک‌شان جواب دهند. برای مثال از او بپرسند به نظرت آدمک‌ها در سر ما جا می‌شوند؟ اگر جا شوند، پس مغزمان کجا رفته است؟ و بدین وسیله به او کمک کنند تا به جواب صحیح برسد.

۳. تقویت تعقل در کودک

عقل در کنار کتاب، سنت و اجماع، یکی از منابع چهارگانه استنباط حکم شرعی است. بنابراین بدیهی است کسی که اصلاً نمی‌اندیشد و از نعمت عقل استفاده نمی‌کند، از نظر

اسلام مطرود است و اگر به حکم ظاهر مسلمان باشد، یقیناً مؤمن نیست (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۳۵۶). آدمی با عقل، خوب و بد را از هم تشخیص می دهد و میان صلاح و فساد و نیز اعمال ناشایست و پسندیده فرق می گذارد (کارامدپیشه، ۱۳۹۵، ص ۵۹ و ۶۰). کلمات گرفته شده از ریشه عقل، ۴۹ بار در قرآن تکرار شده است که اغلب آن ها درباره منافقین و کفار است. این دو گروه به عنوان کسانی توصیف شده اند که حتی از نازل ترین مرتبه عقل نیز برخوردار نیستند و به طور کلی از نعمت عقل بهره نمی برند: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (انفال: ۲۲)؛ «بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند».

از نتایج جدایی ناپذیر عقل گریزی، نفی علیت است. در بسیاری از انیمیشن ها رابطه جدی و معناداری میان رفتار شخصیت ها و نتیجه عمل شان وجود ندارد. در نتیجه بسیاری از چیزها به صورت تصادفی اتفاق می افتد و بسیاری از رفتارها و جریان ها با وجود نادرست بودن، به پایانی خوش ختم می شوند. نفی رابطه میان عمل فرد و سرنوشت او، باورمندی به معاد و عاقبت نگری را متزلزل می کند و انگیزه درونی فرد را برای ملتزم بودن به خیر و رفتار صحیح کم رنگ می نماید. همچنین موجب شکل گیری انتظارات غیر واقعی در کودک می شود و او را به موفقیت و سرانجامی خوش در همه کارها عادت می دهد؛ بدون اینکه این موفقیت حاصل منطقی عمل صحیح او باشد (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۸۲). والدین باید از فرزند خود بخواهند چیزهایی را که از تماشای انیمیشن فهمیده است، بیان کند. برای مثال بگوید که اگر خودش جای شخصیت انیمیشن بود، چه کاری را انجام می داد و بدین وسیله روش قدرت فکر کردن و تعقل را در کودک شان تقویت کنند. فعال کردن قوه تفکر کودک برای اینکه بتواند گزاره های تفکری را در کنار هم بگذارد و به تعقل برسد، کمک می کند تا وی بتواند بیندیشد و هر مطلبی را نپذیرد. این روش موجب می شود ضعف قوای عقلی کودک جبران شود تا در بزرگ سالی تحت تأثیر هر نوع تفکری قرار نگیرد.

۴. دادن شناخت صحیح با قصه گویی

واژه قصه به معنای پی جویی و تعقیب کردن است. اخبار گذشته را به این دلیل قصه

می‌گویند که برخی از آن‌ها به دنبال برخی دیگر بودند و گوینده در پی فهمیدن آن است. به تصریح پروردگار، داستان‌های قرآن از بهترین داستان‌هاست: «تَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْعَافِلِينَ» (یوسف: ۳)؛ «ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن - که به تو وحی کردیم - بر تو بازگو می‌کنیم و مسلماً پیش از این از آن خبر نداشتی».

مضمون و محتوای قرآن، سرچشمه و بیانگر بسیاری از قصه‌های دینی و شرح حال گذشتگان و بزرگان است که در ترویج قصه‌گویی و سمت‌گیری محتوای قصه‌ها به شرح حال پیامبران و دینداران تأثیر بسزایی داشته است. داستان یا قصه با فطرت بشر سر و کار دارد؛ از این رو بسیار دیده شده است که کودک شور و شوق خاصی برای شنیدن قصه نشان می‌دهد و از پدر یا مادر می‌خواهد تا برایش قصه بگویند. داستان افزون بر آنکه فطرتاً محبوب انسان‌هاست، زبانی است که گوینده و نویسنده می‌تواند با آن مقصود خود را ساده‌تر و روشن‌تر بیان کند. روش انبیا برای هدایت پیروانشان، نقل قصص پیامبران سلف و تذکر دادن نکات زندگی آنان بوده است (کارآمد پیشه، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶). شخصیت‌های داستان‌های قرآن، انسان‌ها هستند و موضوعات آن‌ها نیز به زندگی انسان مرتبط است. قصه‌ها و تمثیل‌های دلنشین قرآن با مضمون‌های اخلاقی، انسانی و تاریخی همگان را به عبرت‌گیری و یادگیری مسائل دعوت می‌کنند. قصه‌های قرآنی، بافتنی و ساختنی نیستند؛ بلکه یافتنی‌اند. به عبارتی مخاطب باید خود را در داستان بیابد و آن را با زندگی‌اش تطبیق دهد (بیرانوند، ۱۳۹۶، ص ۱۵۹). در واقع تاریخ، سرگذشت گذشتگان و امت‌های سابق به‌ویژه انبیای الهی، طریقه زندگی و روش صحیح آن را بیان می‌کند. با نقل داستان‌ها و سرگذشت امت‌ها و پیامبران الهی، می‌توان به انسان‌ها فهماند که چه کاری درست و چه رفتاری ناپسند است و آن‌ها را به این نکته متذکر شد که کدام یک از امت‌های پیشین، راه حق و درستی را طی کرده و کدام یک در اثر گناه و سرپیچی از دستورهای فرستادگان الهی، دچار عذاب و عقوبت الهی شده‌اند. این روش، وسیله عبرت و آگاهی انسان است (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۴). استفاده از داستان‌های قرآنی به تولیدکنندگان آثار انیمیشن کمک می‌کند تا با

ساخت آثاری زیبا، کودکان را به سمت آن‌ها جلب کنند. همچنین به والدین کمک می‌کند تا بر شناخت‌های فرزندان‌شان تأثیر مثبت بگذارند. برای مثال با بیان قصه حضرت یونس علیه السلام، می‌توان توجه به خداوند و ناامید نشدن از رحمت الهی را به فرزند آموخت یا از سرگذشت حضرت یوسف علیه السلام، برای توجه دادن به حفظ عصمت، حیا و پاکدامنی که مایه دستیابی به عزت و بزرگی است، استفاده کرد. این تأثیرگذاری را می‌توان در تمامی انواع شناخت مشاهده کرد؛ به‌ویژه در شناخت شهودی و عرفانی بسیار اثرگذار است.

وقتی کودک تحت تأثیر مفاهیم القا شده می‌پذیرد که با جادو می‌توان آب را به یخ تبدیل کرد و یا فرشتگان آبی‌رنگ هستند و شکلی شبیه دختران دارند و یا گاهی حتی شکل موش هستند، والدین با کمک قصه‌گویی می‌توانند در ذهن او تغییر ایجاد کنند. قصه تأثیر بسیاری بر ذهن کودکان دارد تا آنجا که می‌توان تفکر اشتباه و حتی رفتار غلط آن‌ها را به این وسیله اصلاح کرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال راهکارهایی برگرفته از منابع دینی برای مقابله با آسیب‌های شناختی انیمیشن‌های والت دیزنی بود تا به کمک آن بتوان فرزندان را با ذهن خلاق و تفکری نقاد تربیت نمود. کودکی که قوه تفکر و تعقلش فعال است، در مسیر هدایت قرار می‌گیرد و آنچه را که مخالف فطرتش است، به راحتی نمی‌پذیرد و در همه حال از اعتقاداتش مواظبت و دفاع می‌کند. برای تحقق این مهم ابتدا آسیب‌های چهار نوع شناخت تجربی، عقلی، تعبدی و شهودی انیمیشن‌های نمونه بیان شد. شناخت تجربی از ترکیب حس و عقل به وجود می‌آید که به بعضی از آسیب‌های این شناخت همچون «تنها هدف ما در زندگی لذت بردن است»، «سنت‌ها و قوانین اجتماعی، دست و پاگیر هستند و باید آن‌ها را کنار زد و سنت شکن بود»، «ازدواج، مانعی برای آزادی دختر است»، «والدین به خاطر اینکه اسیر برخی قوانین هستند، همیشه مانع پیشرفت‌اند» اشاره شد. شناخت عقلی، حقایق بدیهی و ثابت هستند که برخی آسیب‌های آن به شرح زیر است: در انیمیشن‌ها همه یا بخشی از این اصول نقض می‌شوند؛ پس ممکن است به کودک چنین القا شود که اصلاً چنین

اصولی وجود ندارد. وقتی والدین کودک را از انجام کارهایی که برخلاف اصول عقلی و بدیهی هستند، منع می‌کنند؛ ممکن است نظرشان اشتباه باشد. کودک در این انیمیشن‌ها می‌بیند که هر کس خلاف این اصول حرکت کرده است، موفق شده است و حتی والدین نیز در نهایت می‌فهمند که نظرشان اشتباه بوده است. آسیب‌های شناخت تعبدی در انیمیشن‌ها شامل برخی مفاهیم ضد دینی است. برای مثال در این انیمیشن‌ها وجودی از خداوند دیده نمی‌شود یا در حدی خیلی پایین و ضعیف و ناتوان آمده است. با وجود آنکه در اسلام حیا، عفت و پاک‌دامنی اصل مهمی است، این فضیلت بی‌ارزش نشان داده شده است. رقصیدن و آواز خواندن زنان، ارتباط با نامحرم، بی‌ارزش دانستن توجه به حلال و حرام و نیز عدم ایمان به معاد در آن‌ها ترویج داده شده است. از الفبای شیطان‌پرستی در پس زمینه صحنه اصلی استفاده شده است. تبدیل انسان به حیوان و برعکس، ممکن جلوه داده شده است. شناخت شهودی در انیمیشن‌ها بیان نمی‌شود؛ زیرا در تفکر مادی اساساً جایی برای بالاترین ادراک‌ها وجود ندارد.

برای کاهش آسیب‌های شناختی، چهار راهکار ارائه شده است. والدین برای اینکه بتوانند قوه تفکر و تعقل را در فرزندشان فعال کنند، باید شرایط پرورش استعداد های فطری را برای او فراهم نمایند؛ زیرا انسان ذاتاً دین‌گرا و طرفدار حق است. والدین می‌توانند با توجه به فطری بودن حق‌طلبی و حقیقت‌خواهی، مانع آسیب‌های حوزه شناخت شوند. با پرسش کردن به سبک قرآنی، می‌توان قوه تفکر کودک را فعال کرد و مانع انحرافات فکری اش شد. همچنین والدین می‌توانند با تقویت عقل‌گرایی، مانع پذیرنده بودن صرف او در بزرگسالی شوند. همچنین می‌توانند با تحقیق و کاوش درباره افکاری که به او ارائه می‌شود، او را از افتادن در دام فتنه‌ها محفوظ بدارند و با تعریف کردن داستان به سبک قرآنی، راه حق و درست را به او نشان دهند.

پیشنهادها

برای بهبود تولید رسانه‌ای در حوزه انیمیشن، پیشنهادهایی به دو گروه تولیدکنندگان و پژوهشگران می‌شود.

۱. برای تولیدکنندگان

برنامه‌ریزی برای ساخت انیمیشن‌های با اصالت ایرانی و مذهبی با تکنولوژی پیشرفته، ضروری است. انیمیشن‌ها باید جذابیت کافی داشته باشند تا بتوانند کودکان و نوجوانان را جذب کنند. متأسفانه عموماً برای موضوعات زیبا و داستان‌های خوب ایرانی و مذهبی، با بدسلیقگی تمام از بدشکل‌ترین نقاشی‌ها استفاده می‌شود. برای ساخت انیمیشن‌های خاص کودکان، می‌توان از داستان‌های زیبای کتاب‌های کلیله و دمنه، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب اثر مهدی آذر یزدی و نیز بسیاری از کتاب‌های قصه اصیل ایرانی در بازار نشر برای اقتباس فیلمنامه استفاده کرد. داستان‌های شاهزاده‌های ایرانی در شاهنامه و حوادث واقعی تاریخ معاصر که پر از داستان‌های حماسی، عاشقانه و باب طبع نوجوانان است، نیز می‌تواند با کمی خلاقیت به آثار فاخری تبدیل شود که قابلیت صدور به جهان را هم داشته باشد. در میان کتاب‌های دفاع مقدس مانند ۱۵، دختر شینا، من زنده‌ام و پایی که جاماند، ظرفیت‌ها و زمینه‌هایی برای نگارش فیلمنامه‌های انیمیشنی یافت می‌شود.

۲. برای پژوهشگران

برای هوشمندسازی نسل جدید و توانمندسازی ایشان در مقابله با آسیب‌ها، پژوهش و تحقیق گسترده‌ای ضرورت دارد که برخی از آن‌ها به عنوان نمونه در این زمینه پیشنهاد می‌شود: «تأثیر مکاتب موجود در انیمیشن‌ها بر روی سبک زندگی»، «تأثیر نمادهای موجود در انیمیشن‌ها بر روی ذهن کودک»، «راهکارهای مقابله با تأثیر رفتاری انیمیشن‌ها بر روی نوجوانان»، «تأثیر انیمیشن‌ها بر روی ذهن دختران»، «مقایسه آثار تربیتی انیمیشن‌های هالیوود بر جامعه آمریکایی و ایرانی».

فهرست منابع

فارسی

۱. اخوت، احمدرضا، (۱۳۹۲ ش)، آموزش روش های تدبر در قرآن، روش های تفکر در قرآن، تهران: قرآن و اهل بیت علیهم السلام.
۲. ایزدی، فؤاد و ابراهیم شمشیری، (۱۳۹۸)، «دیپلماسی عمومی برای کودکان: مطالعه موردی پیونمایی های والت دیزنی»، فصلنامه علمی پژوهشی رسانه های دیداری و شنیداری، ش ۲۹، ص ۱۵۸-۱۳۳.
۳. بشیر، حسن و جواد طاهری، (۱۳۹۶)، «تحلیل انیمیشن های هالیوودی با رویکرد تربیتی»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۱۱۶-۸۷.
۴. بیرانوند، محمد، (۱۳۹۶ ش)، دست بچتو بگیر، راهکارهای عملی تربیت دینی کودکان، اصفهان: حدیث راه عشق.
۵. بهشتی، سعید و مریم احمدی نیا، (۱۳۸۵)، «تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، دوره ۲، ش ۳، ص ۸۸-۴۱.
۶. بیچرانلو، عبدالله، (۱۳۹۱)، «توسعه سواد رسانه ای، مهم ترین راهبرد مخاطب محور پیشروی سازمان های فرهنگی و رسانه ای کشور»، فصلنامه علمی ترویجی رسانه، رسالت، ش ۸۶، ص ۱۰۸-۹۳.
۷. پولاتون، سونیا، (۱۳۸۹)، «چرا پدر و مادرها در آثار دیزنی غایب اند؟»، ماهنامه سیاحت غرب، ش ۸۶، ص ۳۱-۲۷.
۸. جواد آملی، عبدالله، (۱۳۷۲ ش)، شریعت در آینه معرفت، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۹. درخشان، م، (۱۳۸۵)، «صهیونیسم و نمادپردازی در برنامه های کودکان»، فصلنامه فارابی، ش ۶۲، ص ۴۴۰-۴۳۵.
۱۰. دوست محمدی، احمد و احمد صبوری نژاد، (۱۳۹۸)، «یهود و سینمای کودک، ترویج ایده ها و افکار»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست، ش ۵۲، ص ۱۰۴۱-۱۰۲۱.
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۲)، «مدرنیتته و اومانیسیم»، فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، ش ۴۷، ص ۶۶-۴۶.
۱۲. شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۶)، «نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان شناسی و اسلام»، فصلنامه علمی ترویجی معرفت، ش ۱۱۹، ص ۱۰۰-۸۱.
۱۳. شهبازی، محمد مجید و محمدامین بهزادنسب و محمدرضا برزویی، (۱۳۹۸)، «واکاوی نسبت جهان بینی با مسائل جنسی و عفاف در سینما: مطالعه موردی انیمیشن مهمانی سوسیس ها (۲۰۱۶)»، دوره ۲۶، ش ۱ (پیاپی ۵۵)، ص ۱۷۲-۱۴۹.
۱۴. صادقیان، حمید و گیتی نورالدین نژاد، (۱۳۹۵)، «توسعه کاربردهای انیمیشن و موشن گرافیک در رسانه های جدید»، چیدمان، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۱۰۰-۹۰.
۱۵. صالحی، اکبر و امیر مرادی و اسماعیل فیروزی، (۱۳۹۳)، «نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش های تربیتی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۲، ش ۲۵، ص ۳۷-۹.

۱۶. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. کارآمد پیشه، حسین، (۱۳۹۵ش)، آشنایی با تربیت اسلامی، چاپ اول، قم: المصطفی.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۷ش)، آموزش عقاید، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۹. _____، (۱۳۸۱ش)، پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۱ش)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۱. ملکی، حسن، (۱۳۹۰)، «درآمدی بر اهداف، اصول و روش‌های تربیت در قرآن»، فصلنامه علمی ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۸، ش ۱۹، ص ۱۶-۲.
۲۲. موسوی، سید علی اصغر، (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی محتوای پویانمایی‌های غربی در تربیت دینی کودکان»، فصلنامه علمی تخصصی افق تبلیغ، سال اول، ش ۲، ص ۸۶-۷۲.
۲۳. نیازی، شهریار و طاهره گودرزی، (۱۳۹۶)، «پرسشگری خداوند در قرآن کریم، مطالعه موردی سوره یس»، دوفصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های قرآنی، ش ۲۵، ص ۲۳۲-۲۱۱.

عربی

۱. جرجانی، علی، (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، تصحیح محمد بدرالدین نعسانی، چاپ اول، افسست قم: الشریف الرضی.
۲. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

سایت‌ها

1. <https://article.tebyan.net/277846>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی